

فهرست مطالب

۱۹.....	کتاب اول: کلیات و اعمال تجاری
۲۱.....	فصل اول: تاجر.....
۲۷.....	فصل دوم: اعمال تجاری.....
۲۷.....	مبحث اول: اعمال تجاری ذاتی.....
۳۲.....	مبحث دوم: اعمال تجاری تبعی.....
۳۵.....	فصل سوم: الزامات حرفه‌ای تاجر.....
۳۵.....	(تکالیف تاجر).....
۳۵.....	مبحث اول: ثبت نام تاجر در دفتر ثبت تجاری.....
۳۹.....	مبحث دوم: داشتن و حفظ دفاتر تجاری.....
۴۳.....	فصل چهارم: دلالتی- حق العمل کاری- قرارداد حمل و نقل- قائم مقام تجاری- قانون دلالتی.....
۴۳.....	مبحث اول: دلالتی- قانون دلالتی مصوب هفتم اسفند ۱۳۱۷.....
۴۸.....	مبحث دوم: حق العمل کاری.....
۵۰.....	طرح شبکه ای (از حیث اجرت):.....
۵۳.....	مبحث سوم: قرارداد حمل و نقل.....
۵۶.....	مبحث چهارم: قائم مقام تجاری.....
۵۹.....	فصل پنجم: ضمانت.....
۶۳.....	فصل ششم:.....
۶۳.....	اسم تجاری- علامت تجاری- قانون ثبت علائم و اختراعات.....
۶۹.....	«ضمانت».....
۶۹.....	قوانین و آئین نامه های مرتبط با کلیات و اعمال تجاری (تجارت ۱).....

- قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری..... ۷۲
 مصوب ۳ / ۱۱ / ۱۳۸۶..... ۷۲
 و آیین نامه اجرایی آن..... ۷۲

کتاب دوم: حقوق شرکت‌های تجاری..... ۲۳۹

فصل اول: کلیات به انضمام مباحث متشابه و مرتبط حقوق شرکت‌های تجاری در قالب

طرح شبکه ای..... ۲۴۱

مبحث اول: نحوه تشکیل انواع شرکت‌های تجاری..... ۲۴۱

مبحث دوم: اقامتگاه و تابعیت اشخاص حقوقی (شرکت‌های تجاری)..... ۲۴۴

مبحث سوم: تقسیم بندی شرکت‌ها..... ۲۴۵

مبحث چهارم: مدیران و باورسان..... ۲۵۰

(رکن اداره کننده و رکن نظارتی)..... ۲۵۰

مبحث پنجم: علل انحلال عام و خاص شرکت‌های تجاری..... ۲۵۸

مبحث ششم: تقسیم دارایی بین شرکا در شرکت‌های تجاری..... ۲۶۷

مبحث هفتم:..... ۲۷۰

زمان تشکیل شرکت‌های تجاری و ایجاد شخصیت حقوقی برای آن‌ها..... ۲۷۰

مبحث هشتم: اکثریت لازم برای «تشکیل» مجامع عمومی شرکت‌های تجاری..... ۲۷۲

مبحث نهم: اکثریت لازم برای «تصمیم گیری» مجامع عمومی شرکت‌های سهامی و

تعاونی..... ۲۷۵

مبحث دهم: اکثریت لازم برای تصمیم گیری شرکت‌های اشخاص (تضامنی و نسبی) و

شرکت با مسئولیت محدود..... ۲۷۸

مبحث یازدهم: اکثریت لازم برای تشکیل و تصمیم گیری در هیأت مدیره شرکت

سهامی و تعاونی..... ۲۸۰

مبحث دوازدهم: اختیارات مدیران تصفیه شرکت‌های سرمایه (سهامی و با

مسئولیت محدود) در خصوص سازش یا ارجاع دعاوی شرکت به داوری..... ۲۸۱

مبحث سیزدهم: رقابت شریک با شرکت..... ۲۸۲



۲۸۲.....	مبحث چهاردهم: حق رأی شرکا در شرکت‌های تجاری
۲۸۳.....	مبحث پانزدهم: تقویم و تسلیم آورده‌های غیر نقدی در شرکت‌های تجاری
۲۸۴.....	مبحث شانزدهم: مرور زمان
۲۸۵.....	مبحث هفدهم: مواعیدی که قبل از تشکیل مجامع عمومی مطرح می‌شوند در قالب طرح شبکه ای
۲۸۷.....	فصل دوم: شرکت سهامی
۲۸۷.....	مبحث اول: کلیات
۲۸۸.....	مبحث دوم: اوراق بهادار شرکت سهامی
۳۰۰.....	مبحث سوم: مراحل تشکیل شرکت سهامی
۳۰۵.....	مبحث چهارم: ارکان شرکت
۳۱۷.....	مبحث پنجم: اقتصاد شرکت
۳۲۲.....	مبحث ششم: انحلال و تصفیه امور شرکت‌های سهامی
۳۲۵.....	فصل سوم: شرکت با مسئولیت محدود
۳۲۷.....	فصل چهارم: شرکت‌های اشخاص (تضامنی و نسبی)
۳۳۱.....	فصل پنجم: شرکت‌های مختلط سهامی و غیر سهامی
۳۳۵.....	فصل ششم: شرکت تعاونی - قانون بخش تعاونی ج.ا.ا مصوب ۱۳۷۰ - قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ به همراه اصلاحات و آئین نامه آن
۳۴۳.....	فصل هفتم:
۳۴۳.....	مباحث کاربردی - آزمون قانون بازار بورس اوراق بهادار
۳۵۱.....	«ضمائم»
۳۵۱.....	قوانین و آئین نامه های مرتبط با حقوق شرکت های تجاری (تجارت ۲)
۶۰۳.....	کتاب سوم: اسناد تجاری
۶۰۵.....	فصل اول: کلیات
۶۰۹.....	فصل دوم:
۶۰۹.....	مباحث متشابه و مرتبط اسناد تجاری در قالب طرح شبکه ای

- ۶۰۹..... مبحث اول: مسئولیت و ضمانت در اسناد تجاری
- ۶۱۶..... مبحث دوم: مندرجات الزامی و اختیاری اسناد تجاری
- ۶۲۴..... مبحث سوم: ظهر نویسی
- ۶۲۶..... مبحث چهارم: تجزیه دین و استمهال جهت پرداخت در اسناد تجاری
- ۶۲۷..... مبحث پنجم: وجود محل در اسناد تجاری
- ۶۲۸..... مبحث ششم: اسناد در وجه حامل
- ۶۳۰..... مبحث هفتم: موعد اعلام قبول یا نکول از جانب محال علیه در اسناد تجاری
- ۶۳۳..... مبحث هشتم: مواعد مطالبه وجه اسناد تجاری
- ۶۳۵..... مبحث نهم: تشریفات قانونی در صورت عدم قبول برات توسط محال علیه
- ۶۳۵..... (اعتراض نکول)
- ۶۳۷..... مبحث دهم: تشریفات قانونی در صورت عدم پرداخت اسناد تجاری
- ۶۳۷..... (اعتراض عدم تأدیه در اسناد تجاری)
- ۶۴۱..... مبحث یازدهم: تشریفات قانونی جهت اقامه دعوی در اسناد تجاری
- ۶۴۴..... مبحث دوازدهم: مبدأ احتساب خسارت تأخیر تأدیه در اسناد تجاری
- ۶۴۵..... فصل سوم: برات
- ۶۴۵..... مبحث اول: قبولی محال علیه (برائگیر)
- ۶۴۶..... مبحث دوم: قبولی ثالث + پرداخت ثالث
- ۶۴۹..... مبحث سوم: پرداخت
- ۶۵۲..... مبحث چهارم: برات رجوعی (برات سازشی)
- ۶۵۳..... فصل چهارم: سفته (فته طلب)
- ۶۵۷..... فصل پنجم: چک - قانون صدور چک
- ۶۵۷..... مبحث اول: چک در قانون تجارت
- مبحث دوم: بررسی «قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ با اصلاحات بعدی مصوب
- ۶۵۸.....» ۱۳۸۲
- ۶۷۱..... «ضمائم»



۶۷۱	قوانین و آئین نامه های مرتبط با اسناد تجاری (تجارت ۳)
۷۱۹	کتاب چهارم: ورشکستگی
۷۲۱	فصل اول: کلیات
۷۲۳	فصل دوم: شرایط ورشکستگی
۷۲۳	مبحث اول: شرایط «تحقق» ورشکستگی
۷۲۹	مبحث دوم: شرایط «احراز» ورشکستگی
۷۳۷	فصل سوم: انواع ورشکستگی
۷۳۷	مبحث اول: ورشکستگی عادی
۷۳۸	مبحث دوم: ورشکستگی به تقصیر
۷۴۱	مبحث سوم: ورشکستگی به تقلب
۷۴۳	فصل چهارم: آثار ورشکستگی
۷۴۳	مبحث اول: آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر (اموال تاجر)
۷۴۴	مبحث دوم: آثار ورشکستگی نسبت به اشخاص ثالث
۷۴۴	(رابطه تاجر با اشخاص ثالث)
۷۴۷	فصل پنجم: ارگان‌های تصفیه
۷۴۷	مبحث اول: ارگان‌های تصفیه به موجب قانون تجارت
۷۵۵	مبحث دوم: ارگان‌های تصفیه به موجب قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی
	فصل ششم: تشریفات قانونی مربوط به تصفیه به استناد قانون اداره تصفیه امور
۷۵۹	ورشکستگی و آئین نامه آن
۷۵۹	مبحث اول: مهر و موم و صورت برداری از اموال
۷۶۱	مبحث دوم: اقدامات تأمینی
۷۶۳	مبحث سوم: وضعیت قراردادهای تاجر ورشکسته با اشخاص ثالث
	(قبل از توقف - بعد از توقف تا قبل از صدور حکم ورشکستگی - بعد از صدور حکم ورشکستگی)
۷۶۳	ورشکستگی
۷۷۲	مبحث پنجم: قرارداد ارفاقی

فصل اول: تاجر

نظریه شخصی و موضوعی: قانون تجارت ایران در باب تاجر، بر مبنای نظریه شخصی (به استناد ماده ۳ ق. ت) و نظریه موضوعی (به استناد ماده ۱ ق. ت) استوار است.

به استناد ماده ۱ ق. ت، تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد.

- واژه «کسی» در متن ماده ۱ ق. ت بیانگر این مطلب است که تاجر ممکن است شخص حقیقی باشد یا حقوقی.

طرح شبکه ای (از حیث شخص حقیقی یا حقوقی):

- مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره شرکت سهامی الزاماً باید شخص حقیقی باشد و لسی اعضای هیأت مدیره ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد.
- واژه «شغل معمولی» در متن ماده ۱ ق. ت بیانگر شغلی است که دو ویژگی را توأمأ دارا باشد.

۱- تکرار شود

۲- برای امرار معاش باشد

بنابراین

۱) به صرف اینکه کسی مکرراً اقدام به داد و ستد تجاری کند ولی برای امرار معاش نباشد

تاجر قلمداد نمی‌شود.

۲) به صرف اینکه کسی اقدام به داد و ستد تجاری برای امرار معاش کند ولی آن را تکرار نکند تاجر قلمداد نمی‌شود.

۳) به صرف اینکه کسی زمان بیشتری را صرف اشتغال به تجارت کند تاجر قلمداد نمی‌شود.

۴) به صرف اینکه کسی در دفتر ثبت تجاری ثبت نام کند تاجر قلمداد نمی‌شود ولی ممکن است در حد یک اماره قضایی (نه اماره قانونی) مبنی بر تاجر بودن شخص قابل استناد باشد اگرچه خلاف آن قابل اثبات است.^۱

خلاصه اینکه آنچه ملاک تشخیص شغل معمولی از غیر معمولی می‌باشد میزان درآمد فرد در آن شغل جهت امرار معاش می‌باشد نه مدت زمانی که صرف آن شغل می‌کند حتی اگر با شغل اصلی اش متفاوت باشد مثل اینکه شخصی که کارمندی به عنوان شغل اصلی اش است به عنوان شغل دوم اقدام به انجام معاملات تجاری (به عنوان شغل معمولی) نماید.

- واژه «معاملات تجاری» مذکور در ماده ۱ ق. ت بیانگر اعمال تجاری ذاتی موضوع ماده ۲ ق. ت است نه اعمال تجاری تبعی موضوع ماده ۳ ق. ت
- برای اینکه شخص تاجر قلمداد شود علاوه بر داشتن قصد مادی به عنوان هدف اصلی، باید معاملات ذاتاً تجاری را حتماً به نام و به حساب خود انجام دهد لذا با توجه به این توضیح باید گفت:

قائم مقام تجاری، ولی، قیم، وکیل، مدیر عامل شرکت و به طور کلی هر شخصی که به نمایندگی از دیگری اقدام به معاملات تجاری می‌نماید، تاجر قلمداد نمی‌شود چرا که آن اعمال را به حساب دیگری انجام می‌دهند نه به حساب خود. استثنائات: این ۵ نماینده استثنائاً اعمالشان ذاتاً تجاری تلقی می‌شود:

۱) دلال-عامل-حق‌العمل کار^۲

۱-اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری) نشر سمت



۲) کسبه جز.

۳) بیمه گر^۱

۴) انباردار عمومی^۲

۵) کارگزاران بورس در صورتی که به نام خود به حساب دیگران داد و ستد نمایند.

✓ نکته استثناء اول: از آنجا که دلال و عامل و حق‌العمل کار برخلاف سایر

نمایندگان برای شخص معینی کار نمی‌کنند و در اغلب اوقات اجرت آنان به میزان درصدی از مبلغ انجام شده محاسبه می‌شود نه به صورت مقطوع، به همین دلیل به صراحت بند ۳ ماده ۲ ق.ت اعمال آنها ذاتاً تجاری تلقی می‌شود.

✓ نکته استثناء چهارم: به استناد ماده ۱ تصویب نامه قانونی مربوط به تأسیس

انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰، انبارهای عمومی می‌بایست در قالب شرکت سهامی تشکیل گردند و از آنجا که شرکت سهامی از جمله شرکت‌های شکلی یا بهتر است بگوئیم تنها شرکت شکلی محسوب می‌شود که به صرف اینکه در قالب مندرج در قانون تجارت تشکیل شود تجاری محسوب می‌شود حتی اگر موضوعش تجاری نباشد بنابراین نتیجه این می‌شود که انباردارهای عمومی نیز به تبع این موضوع، تاجر محسوب می‌شود ولی باید به یاد داشت که علت اصلی در تجاری تلقی شدن آنها صراحت بند ۴ ماده ۳ ق.ت است که بیان می‌دارد کلیه معاملات شرکت‌های تجاری، جزء اعمال تجاری تبعی محسوب می‌شود.

✓ نکته استثناء پنجم: کارگزاران بورس در صورتی که به نام خود به حساب

دیگران داد و ستد کنند، در حکم حق‌العمل کار محسوب شده و ذاتاً تاجر تلقی می‌شوند ولی اگر به نام خود و به حساب خود معامله نمایند، عمل آنان تجاری تلقی نمی‌شود بلکه ممکن است یک عمل مدنی باشد چرا که معامله سهم یک

۱- به استناد بند ۹ ماده ۲ ق.ت

۲- به استناد ماده ۱ تصویب نامه قانونی مربوط به تأسیس انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰

شرکت، عمل تجاری محسوب نمی‌شود مگر اینکه آن اعمال را طبق بند ۲ ماده ۳ برای حوائج تجاری خود انجام دهند که در این صورت عمل آنان یک عمل تجاری تبعی محسوب می‌شود.

- ✓ یادآوری: درست است که گفته شد که برای تاجر تلقی شدن، معاملات ذاتاً تجاری باید حتماً به نام و به حساب خود شخص انجام گیرد ولی کارگزاران بورس و حق‌العمل کاران یک استثناء در این مورد محسوب می‌شوند.
- مضارب در عقد مضاربه، تاجر محسوب می‌شود ولی پیشه‌ور، تاجر محسوب نمی‌گردد چرا که بخش عمده مالی که فروخته می‌شود، هنر و خدمات فروشنده است مگر اینکه این اعمال را در قالب بند ۴ ماده ۲ ق. ت انجام دهد

طبق بند ۴ ماده ۲ ق. ت: تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد، ذاتاً تجاری تلقی می‌شود.

- ✓ نکته ۱: منظور از حوائج شخصی، حوائج و نیازهای تجاری و صنعتی شخصی است نه نیازهای طبیعی شخصی
- ✓ نکته ۲: صرف تأسیس و راه اندازی یک کارخانه ذاتاً عمل تجاری محسوب نمی‌گردد بلکه حتماً باید در آن کارخانه اقدام به کار و سامان کالا جهت فروش شود.
- ✓ نکته ۳: طبق اصل ۴۴^۱ قانون اساسی، صنایع بزرگ، صنایع مادر و تأمین نیرو در اختیار دولت است لذا تأسیس کارخانهای در حد این صنایع از طرف افراد امکان پذیر نیست.



- کسبه جزء نیز همانند دلال و حق‌العمل کار و عامل، بیمه گر، انباردار عمومی، مضارب در عقد مضاربه، تاجر تلقی می‌شود ولی الزامات حرفه‌ای تاجر شامل او نمی‌شود یعنی:

مکلف به ثبت نام در دفتر ثبت تجاری نیستند

مکلف به داشتن دفاتر تجاری نیستند

مشمول مقررات ورشکستگی نمی‌شوند

- معیار تشخیص کسبه جز را می‌توان در ۲ مورد خلاصه کرد:

(۱) کسبه‌ای که میزان فروش سالانه آن‌ها از یکصد میلیون ریال تجاوز نکند کسبه جزء

محسوب می‌شوند.

(۲) ارائه دهندگان خدمات اگر میزان مبلغ دریافتی آن‌ها در سال از پنجاه میلیون ریال تجاوز

نکند کسبه جزء محسوب می‌شوند.

- انواع تاجر:

در مبحث قبل گفته شد که تاجر ممکن است شخصی حقیقی باشد یا حقوقی اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا تمام اشخاص حقوقی تاجر تلقی می‌شوند؟

در پاسخ باید گفت که از میان اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی تنها شرکت‌های دولتی از نوع تجاری، تاجر تلقی می‌شوند چرا که اصولاً در قالب شرکت سهامی تشکیل می‌شدند لذا شرکت‌های دولتی از نوع غیر تجاری، دولت، موسسات عمومی غیر دولتی (مثل شهرداری - کمیته امداد امام خمینی) تاجر قلمداد نمی‌شوند چرا که هدف اصلی آنها ارائه خدمات به مردم است نه سود آوری

از میان اشخاص حقوقی موضوع حقوق خصوصی، تنها شرکت‌های تجاری، تاجر تلقی می‌شوند با این تفاوت که:

برخی شرکت‌ها هستند که به صرف اینکه در قالب معین شده در قانون تشکیل شوند تجاری محسوب می‌شوند حالا چه عملیات آنها تجاری باشد چه نباشد که به آنها